

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۱

دریافت: ۹۰/۹/۱ پذیرش: ۹۱/۲/۵

صص ۲۱-۳۸

رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸^۱

زهرا طاهری، دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان*

زنده یاد رسول ربانی، استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

مهدی ادیبی سده، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

چکیده

احساس امنیت، احساس مصونیت فرد در مقابل تهدیدهایی است که از جانب کنشگران دولتی و غیردولتی جان، مال، فکر و توانایی افراد را برای شرکت نمودن در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این پژوهش با هدف تعیین رابطه نقش پلیس (نیروی انتظامی) با احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی صورت گرفته است. چارچوب نظری تحقیق بنا به تناسب موضوع، نظریه‌های جامعه‌شناختی و مکاتب مربوط به این حوزه مورد بررسی واقع شد. روش تحقیق در این پژوهش، پیمایش و نیز کتابخانه‌ای بوده است. جامعه آماری پژوهش، شهروندان شهر اصفهان در سال ۱۳۸۸ بوده‌اند. حجم نمونه ۳۸۴ نفر بوده‌اند که با استفاده از فرمول کوکران با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در سه منطقه اصفهان به دست آمده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و Amos18 است. مهمترین یافته پژوهش وجود رابطه مثبت و معنادار بین نقش پلیس با احساس امنیت در بین شهروندان اصفهانی است، اما در رابطه با معناداری هر یک از ابعاد؛ بعد جدیت پلیس با بعد فکری احساس امنیت؛ بعد عملکرد پلیس با بعد مالی و بعد جمعی احساس امنیت؛ بعد توانایی پلیس با بعد جمعی و بعد فکری احساس امنیت معنادار بوده، رابطه دیگر ابعاد، معنادار نبود. همچنین، مدل معادله ساختاری پژوهش، حاکی از تأیید داده‌های گردآوری شده با چارچوب نظری پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، احساس امنیت، ترس از جرم، اعتماد، پلیس

^۱ این پژوهش با حمایت مادی و معنوی دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی نیروی انتظامی استان اصفهان صورت گرفته است.

۱- مقدمه

امنیت و احساس امنیت یکی از نیازهای فطری انسان بوده و با ذات او آمیخته شده است و همواره مورد توجه متفکران مکاتب فکری مختلف، از جمله فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... بوده است. می‌توان گفت قدمت شناخت این علم به پهنای علم بشر بوده و هر اجتماعی از انسان‌ها به تناسب نیازها و تحولات جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، از آن بهره‌مندی می‌برد. هر اجتماعی که در دوره‌های تاریخی زندگی می‌کرده است، به ویژه دولتمردان آن اجتماع، برای حفظ و بقای خود به ایجاد امنیت و احساس امنیت در بین شهروندان خود می‌پرداخته‌اند. شواهد تاریخی نیز گویای آن است که هر زمانی در جامعه‌ای آرامش و امنیت حکمفرما بوده است، آن جامعه رو به پیشرفت نهاده و در سایه این آرامش بسیاری از دستاوردهای علمی بشر رشد و ترقی کرده است، اما بالعکس، وقتی آرامش یک اجتماع دستخوش تغییر و تحول و یا حتی جنگ می‌شده، احساس امنیت به شدت افول می‌کرده و شهروندان از بیم جان حتی نمی‌توانسته‌اند به کوچکترین امورات زندگی خود سامان دهند. براین اساس می‌توان، اظهار کرد که دولت و نهادهای دولتی، به ویژه پلیس (نیروی انتظامی) نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در امنیت و احساس امنیت یک اجتماع دارند و پژوهش‌های اجتماعی باید این امر در مرکز توجه پژوهشگران و نهادهایی متولیان امر قرار گیرد.

۲- بیان مسأله

از دیر باز ایده «امنیت عمومی»^۱ که در آن عموم افراد بشر، حریم خویش را از هرگونه تعرض و تهدیدی،

آزاد، رها و ایمن حس کنند و در سایه امنیت رشد و تعالی یابند، آرمان والایی است که انسان‌ها همواره در طول زندگی اجتماعی به دنبال و در انتظار نیل به آن بوده و هستند و تاکنون هیچ کشوری ادعا نکرده است که دارای امنیت کامل است. اهمیت امنیت تا آنجاست که «حضرت علی (ع) امنیت را به مثابه گواراترین نعمت، مایه رفاه زندگی و یکی از اهداف ذاتی و ماموریت‌های اساسی حکومت اسلامی.» (واثقی، ۱۳۸۰: ۴۳) می‌داند.

امنیت را می‌توان به مفهوم مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیر مترقبه و در کل، هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود (Jones, 1999: 102-4).

احساس امنیت نیز همانند خود امنیت یکی از نیازهای اساسی تلقی می‌گردد. همان‌گونه که مازلو اشاره می‌کند، نیاز به امنیت در رتبه دوم نیازهای ضروری قرار دارد. بنابراین، اگر این نیاز در سطوح مختلف بنا به عللی پاسخ مثبت دریافت نکند، فرد را دچار تنش و اضطراب می‌کند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۷).

در بیشتر تحقیقات انجام گرفته در این خصوص، بیشتر به نقش نیروی انتظامی و نهادها و ارگان‌هایی که مسؤول حفظ نظم در جامعه هستند، توجه شده است. برای نمونه، در یک نظرسنجی در شهر اصفهان (۱۳۸۲) از مهمترین عوامل ناامنی از دید پرسش‌شوندگان (۵۱،۴ درصد از کل) به تأثیر بسیار زیاد عدم تطابق گفتار و عملکرد مسئولان (از جمله نیروی انتظامی) اشاره کرده‌اند (ربانی، ۱۳۸۵: ۲۲۳). و یا در تحقیق دیگری که در شهر جدید بهارستان صورت گرفته، نقش نیروی انتظامی به عنوان شاخصه مهمی

¹ Public security

۴- تعریف مفاهیم کلیدی پژوهش

۴-۱- امنیت اجتماعی^۱: امنیت از ریشه لاتین Securus است که در لغت به معنای «نداشتن دلهره و دغدغه» است. بنابراین، معنای لغوی امنیت، رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین، ضامن است (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۴)

۴-۲- احساس امنیت^۲: کوینگتون و تایلور احساس امنیت را واکنش عاطفی به جرایم خشونت بار احتمالی و آسیب‌های فیزیکی در نظر می‌گیرند. پین، ویلیام و هادسون احساس امنیت را طیفی از واکنش‌های عاطفی و عملی به جرم و بی نظمی که افراد یا اجتماع با آن مواجه‌اند، در نظر می‌گیرند (Gert, Nod:12).

۴-۳- پلیس (نیروی انتظامی)^۳: پلیس به عنوان بخش مهمی از نظام سیاسی یک کشور، وظیفه خطیر تأمین امنیت داخلی را بر عهده دارد. این نیرو از جمله ارگان‌های خدمت‌رسانی به آحاد جامعه برای تأمین امنیت تلقی می‌گردد (نصیب، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

۵- مفاهیم مربوط به حوزه امنیت و احساس امنیت اندیشمندان کلاسیک امنیت را به دو بخش امنیت ملی و امنیت داخلی تقسیم و برای هر یک از آنها ویژگی‌ها، شاخص‌ها، وجوه و تعاریف مفهومی خاصی بیان کرده‌اند. این تقسیم‌بندی در واقع توجه اندکی به تحولات جهانی و منطقه‌ای و روابط بین دولت‌ها در عرصه‌های گوناگون مبذول داشته است، در حالی که تحولات و تغییرات حادث شده در حوزه‌های امنیتی در سطوح جهانی، منطقه‌ای و ملی و حتی درون ملی، الزامات و ملاحظات جدیدی را در تحلیل و تبیین

در ایجاد امنیت شهرها بیان شده، و با ارزیابی این نقش در بین پاسخگویان که حدود ۴۶ درصد پاسخگویان نقش آن را متوسط و حدود ۲۹ درصد کم و خیلی کم و بدون تأثیر دانسته‌اند، نتیجه گرفته شده که عوامل دیگری در ایجاد احساس امنیت شهروندان مؤثر است، که باید مورد توجه محققان واقع گردد (ربانی و افشارکهن، ۱۳۸۳: ۴۸).

افزایش ناامنی‌های اجتماعی، سرقت‌ها، رفتارهای غیر مسئولانه و ضد اجتماعی، امروزه در بسیاری از جوامع به شکل حاد درآمده و از حالت یک پدیده اجتماعی خارج و به شکل یک معضل اجتماعی نمودار شده است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد، بلکه هزینه‌های مالی گزافی را به مالیات دهندگان و ساکنان این شهرها تحمیل می‌کند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۴).

به هر اندازه که نیروهای پلیس در سطح جامعه با تکیه بر سه اصل سرعت، دقت و صحت بتوانند قدرت عمل خود را در مقابله با جرایم و ناهنجاری‌ها نشان دهند، زمینه برای گسترش ناامنی کاسته شده، فرآیند جرم در حیطه کنترلی پلیس قرار خواهد گرفت و در این اوضاع فضای توسعه امنیت اجتماعی فراهم خواهد گردید (بیات، ۱۳۸۷: ۱۰). از آنجایی که آسیب‌ها و پیرو آن، جرایم در واقع در بستر کژ کارکردی‌های سازمان‌های مختلف یک نظام اجتماعی - اعم از اقتصادی، فرهنگی، قضایی و انتظامی و امنیتی - به وجود آمده، گسترش پیدا می‌کند، بنابراین مهار و کاهش این معضلات در سایه همکاری و هماهنگی نظام‌مند نهادهای فوق‌الذکر ممکن خواهد شد. بنابراین توسعه و گسترش امنیت با میزان همکاری و همراستایی سازمان‌ها و نهادهای ذی ربط ارتباط تنگاتنگی دارد.

¹ Social Security

² Security Feeling

³ Force

است و منظر نگرش به آن اجتماعی، انتظامی و امنیتی است و هدف از آن، پایایی و پویایی نظام اجتماعی است و نیروی انتظامی عهده‌دار حفظ و حراست آن است.

پ: امنیت داخلی: این سطح در عرصه سیاسی قابل طرح بوده، ناظر بر فراهم سازی بهتر مناسب برای حفظ امنیت حاکمیت است. در این سطح وجوه امنیت، سیاسی، قضایی، فرهنگی و اجتماعی است و منشأ بروز تهدید درونی و حوزه تحلیل آن، محیط داخلی و واحد تحلیل نیز گروه‌ها و نیروهای معاند سیاسی هستند.

محور تحلیل منافع، مصالح یا آسیب‌ها و بحران‌های معطوف به موجودیت و بقای حاکمیت است و منظر نگرش به آن سیاسی، امنیتی، اطلاعاتی است و هدف آن، مصونیت حاکمیت است و نهادهای اطلاعاتی مسؤولیت حفاظت این سطح را عهده دار هستند (قالیباف، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۵).

یکی از مفهوم سازی‌هایی که در حوزه امنیت صورت گرفته، تقسیم‌بندی چهار بعدی چلبی از امنیت است. او معتقد است چهار علقه افضل و عام برای انسان وجود دارد که می‌توان آنها را از هم تفکیک کرد: علقه شناختی، علقه مادی، علقه اجتماعی و علقه امنیتی (چلبی، ۱۳۸۶: ۶۳).

«علقه امنیتی مر بوط به بعد G است. در این بعد انسان به عنوان موجودی هدفمند و بالقوه مضطرب (انسان با چهره سیاسی) برای حفظ آرامش و صیانت خود در ارتباط با محیط‌های اثباتی و اجتماعی درصدد تحقق اهداف خود است. برای علقه امنیتی ممکن است چهار بعد اساسی قائل شد، شامل:

۱. امنیت مالی (فراغت از تهدید مالی)؛
۲. امنیت جانی / و بهداشتی (فراغت از تهدید جانی)؛

ابعاد امنیت فراهم آورده است. از این رو، طرح موضوع هایی، چون «امنیت بدون مرز» و «امنیت جهانی» در تقسیم‌بندی امنیت مطرح شده است. با عطف توجه به مباحث بالا، امنیت را به سه سطح امنیت ملی، امنیت داخلی و امنیت عمومی تقسیم می‌کنیم و این تقسیم‌بندی به معنی استقلال و یا عدم وابستگی این سه سطح از همدیگر نیست؛ زیرا این سه سطح در تحلیل سیستمی و در رابطه‌ای چند بعدی مرزهای مشترکی با هم دارند.

الف: سطح امنیت ملی: این سطح از یک سو به شرایط تأمین و حفظ موجودیت نظام درون و بیرون مرزها و از سوی دیگر، به توانایی‌های نظام در محیط درونی و پیرامونی توجه دارد. در این سطح، وجوه امنیت دفاعی - نظامی است و منشأ بروز تهدید، داخلی و خارجی است و حوزه تحلیل آن هم محیط ملی و فراملی و واحد تحلیل آن نیز دولت - ملت در نظام بین الملل است. در امنیت ملی، محور تحلیل عبارت از منافع و مصالح ملی و همچنین، بحران‌ها و تهدیدهای ناشی از ترتیبات قدرت در جهان، منطقه و محیط داخلی است. منظر نگرش در این سطح، امنیتی، دفاعی، نظامی و هدف آن مصونیت منافع ملی و واحد ملی است. در این سطح وظیفه کلی حفاظت از آن با نیروهای مسلح است.

ب: امنیت عمومی: این سطح ناظر بر تولید اوضاعی است که در آن منافع، مصالح و حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می‌گردد. در این سطح وجوه امنیت عبارت از سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی، اجتماعی (فردی - جمعی) است و منشأ بروز تهدید، درون واحد ملی و حوزه تحلیل محیط ملی و واحد تحلیل نیز جامعه، گروه‌ها و نیروهای مؤثر اجتماعی هستند. محور تحلیل منافع، مصالح و یا آسیب‌ها و بحران‌ها ناشی از نظم و تعادل و یا تغییر و تحول

اجتماعی متقابل تعمیم یافته، تضعیف شده، علقه امنیتی آنها برجسته می‌گردد. در چنین نظامی، افراد و گروه‌ها احساس امنیت مالی، جانی، فکری و جمعی نمی‌کنند. در چنین وضعیتی در غیاب طراوت فرهنگی و اجتماعی، انسان‌ها برای پاسخگویی به نیازهای خود اجباراً به صورت حیوانات سیاسی با یکدیگر رابطه برقرار می‌نمایند؛ رابطه‌ای که به بیان هگلی ارباب و نوکری است و ملاک حق نیز زور است.» (چلبی، ۱۳۸۵: ۷۶).

تئوری چلبی با تقسیم‌بندی امنیت به چهار بعد امنیت مالی، جانی، جمعی و فکری به راحتی می‌تواند گویای ابعاد مختلفی از احساس امنیت باشد که یک کنشگر فردی می‌تواند با آن مواجه شود.

۳. امنیت جمعی / و گروهی (فراغت از تهدید جمعی)؛

۴. امنیت فکری (فراغت از تهدید فکری). (چلبی، ۱۳۸۳: ۳۲ و ۱۳۸۵: ۱۰۷).

چلبی ناامنی را ناشی از تصیف اعتماد اجتماعی فرض کرده که خود در سیاسی شدن نظم اجتماعی ریشه دارد. به بیان او «در صورتی که نظم اجتماعی در جامعه‌ای بیشتر صبغه سیاسی به خود بگیرد و ابعاد اجتماعی فرهنگی آن ضعیف شوند، یعنی ضعف در اجتماع عام و وفاق اجتماعی عام، به همان نسبت نیز روابط بین کنشگران در تمام سطوح بر اساس سوگیری عاطفی خاص‌گرا به صورت دوست و دشمن تعریف می‌شود و به همان نسبت، میزان اعتماد

جدول شماره ۱- ابعاد علقه امنیت

امنیت مالی A	امنیت جانی G
علقه امنیت	
امنیت فکری L	امنیت جمعی I

(چلبی، ۱۳۸۵: ۷۶)

در نتیجه، احساس امنیت را می‌توان این گونه (۳) امنیت جمعی / و گروهی؛ (۴) امنیت فکری؛

احساس امنیت مالی به احساس ثابت فرد برای داشتن و حفظ توانایی مالی در مقابل پیشامدهای ناگواری، چون دزدی، کلاهبرداری و ... است.

احساس امنیت جانی، احساس فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی‌اش در مقابله با تهدیدات بیرونی (اعم از دولتی، اجتماعی، محیطی و بهداشتی ای) است که وجود و کیفیت سلامتی‌اش را به خطر می‌اندازند.

تعریف کرد: «احساس مصونیت فرد در مقابل تهدیدهایی است که از جانب کنشگران دولتی و غیر دولتی جان، مال، فکر و توانایی افراد را برای شرکت در اجتماعات دلخواه و یا حفظ این اجتماعات تهدید می‌کنند.»

بر حسب این تعریف چهار بعد احساس امنیت که از تئوری چلبی به عاریت گرفته شده‌اند، عبارتند از:

(۱) امنیت مالی؛

(۲) امنیت جانی / و بهداشتی؛

دستگیری مجرمان و مقابله با قاچاق و باندهای مجرمان را به عهده دارند. در برخی دیگر از کشورها، وظیفه مقابله با جرایم خرد به پلیس محلی واگذار شده، اما جنایات و جرایم مهمتر را بخش‌های دیگری از پلیس با تخصص‌ها و امکانات ویژه پیگیری می‌کنند. در مورد نظم عمومی و مقابله با جرایم خرد، پلیس محلی یا پلیس انتظامی نقش اصلی را به عهده دارد (نوروزی، ۱۳۸۴: ۶۶).

شماری از متخصصان، آشکارا یا پنهان، احساس نامنی را در یکی از چالش‌های عمده در تأثیرگذاری بر زندگی روزمره در جامعه در معرض خطر^۱ می‌دانند. دیگران بحث احساس نامنی را با روایت مدرن سازی انعکاسی به وسیله موضوع اعتماد پیوند می‌دهند و چنین استدلال می‌کنند که احساس نامنی بیان نبود اعتماد به دیگران، زندگی اجتماعی یا نهادهای رسمی است، و سوم اینکه، برخی متخصصان استدلال کرده‌اند آنچه با عنوان احساس نامنی ارزیابی می‌شود، احساس نامنی نیست، بلکه بیان اجبار بر زندگی در عصر ناپایداری و بی‌ثباتی مداوم ساخته بشر است.

دسته دوم، استدلال مفهوم گیدنز^۲ از سیستم‌های خبره را به عنوان نکته انحرافی گرفته، استدلال می‌کنند که پلیس مسئولیت قانونی مبارزه با جرم را متحمل می‌شود. بنابراین، خطر جرم را به حداقل رسانده یا از وقوع آن جلوگیری می‌کند. از نظر گیدنز واضح است که این سیستم‌های خبره، شامل پلیس، تماماً وابسته به اعتماد است. با توجه به این نوشته‌ها، والکلته^۳ و همکارانش این پرسش‌ها را مطرح می‌کنند: به چه کسی می‌توانید اعتماد کنید؟ چگونه اعتماد می‌کنید؟ چنین چه قدر می‌توانید اعتماد کنید و چه موقع؟ چنین سؤال‌هایی برای بررسی مکانیسم اعتماد که احساس

احساس امنیت جمعی: به احساس فرد برای رفتن و گردش آزادانه در خیابان‌ها، پارک‌ها و مجالس اشاره دارد؛ به گونه‌ای که از سوی افراد و یا دیگر گروه‌های اجتماعی مورد تهدید و تعرض و سوء استفاده قرار نگیرد.

احساس امنیت فکری: به این نکته اشاره می‌کند که فرد در مقابل حوادث پیش بینی نشده زندگی روزمره و اعتماد به آینده دلخواه، احساس آرامش و امنیت خاطر داشته باشد.

۶- چارچوب نظری

در زمینه رابطه نقش پلیس و احساس امنیت، نظریه‌های گوناگونی از سوی صاحب‌نظران مطرح در این حوزه ارائه گردیده است. در این قسمت از پژوهش سعی شده تا مهمترین نظریه‌هایی که این رابطه را تبیین می‌کند، و با چارچوب اصلی مقاله در ارتباط است، مطرح گردد.

نقش ذاتی و اصلی پلیس برقراری نظم عمومی است و سایر وظایف پلیس، نظیر وظایفی که در خصوص کشف جرایم مهم انجام می‌دهد و برخی اقدامات قضایی که به پلیس محول می‌شود، در واقع وظایف ثانوی پلیس هستند. وظیفه حفظ نظم عمومی و سایر وظایف که به پلیس محول شد، موجب شد تغییراتی در سازمان پلیس ایجاد شود. در برخی از کشورها رشته‌های خاصی از پلیس به تأمین نظم عمومی می‌پردازند. پلیس راهنمایی و رانندگی و همچنین، پلیس یونیفورم پوش در کلانتری‌ها و گشت‌های پلیس در خیابان‌ها عمدتاً وظیفه مقابله با جرایم مشهود و جرایم خرد و حفظ نظم عمومی را بر عهده دارند. در کنار این واحدهای پلیس بخش‌های دیگری وجود دارند که به پلیس جنایی یا پلیس قضایی معروفند و کشف جرم، حفظ صحنه جرم،

¹ Risk

² Giddens

³ walklate

ارائه خدمت). حجم واکنش‌ها و سطوح مختلف اجرا در سازمان ایجاد سرگشتگی می‌کند. انتظارات و تقاضاهای عموم در برخی موارد متناقض است. از یک طرف آنها خواهان نظم و اجرای سخت‌گیرانه قانون و ایجاد قوانین دیگری برای حمایت، فهم، میانجیگری و حل مسائل و نیز مدارا و ارفاق و احترام به حقوق انسانی در قبال مجرمان هستند (Lambropoulo, 2007:105).

تأثیر مستقیم حضور پلیس در محل زندگی در کاهش درک خطر احتمالی از جرایم و در کاهش احساس ناامنی، که از طریق توانایی جمعی بالا و رضایت خاطر بالا از محل زندگی به میزان متعادل و متوسطی می‌رسد، همکاری‌های آینده بین ساکنان و اجرای قانون در مبارزه با جرایم را نوید می‌دهد. در هماهنگی با منابع پیشین در مورد سرمایه اجتماعی، محله‌هایی با تعداد زیادی از نهادهای گوناگون (مانند پلیس، مدارس، کلیسا و ارگان‌های خدماتی) احتمالاً بهتر می‌توانند هنجارهای اجتماعی رفتار مطلوب را با موفقیت اجرایی کنند و فرصت شرکت در سازمان‌های محلی به منظور آسایش همگانی و جمعی محل زندگی را برای شهروندان فراهم نمایند. یکی از تأثیرات مثبت سطوح بالای قابلیت جمعی و رضایت خاطر کلی همان گونه که در بالا دیده شد، کاهش نگرانی شهروندان در قبال جرم و جنایت و احتمال قربانی شدن آنهاست. (Ferguson&Mindel, 2007)

هانتر، بورسیک و گراسمیک، پلیس را به عنوان نهادهای کلیدی در کنترل اجتماعی عمومی در محله‌ها مطرح می‌کنند. نیروی پلیس در جوامع دموکراتیک ادعا می‌کند حق انحصاری اجرای قانون در به کارگیری اعمال فشار، زور و خشونت برای بازیابی نظم در دست اوست.

مردم از امنیت هستی‌شناسی را تأیید می‌کنند و اینکه چگونه افراد استراتژی‌های مهاجرت به آینده را توسعه می‌دهند، متمرکز خواهد بود (Gert, nod:20).

اعتماد، به طور غیر قابل انکاری، - به خودی خود - رفتاری مخاطره‌آمیز است. از یک طرف، شک و تردید و بلا تکلیفی به طرف خود جذب می‌کند، در حالی که از طرف دیگر خطر می‌آفریند، زیرا با تصمیم‌گیری بر اینکه بر دیگری اعتماد کنیم، شخص ناگزیر از اطلاعات و حقایق محدود در دسترس رفتار آینده دیگری را حدس می‌زند. در حالی که اعتماد، برد فعالیت‌های ممکن را چندگانه می‌کند، پیچیدگی خطر ناامیدی را نیز به همراه دارد. به دیگر سخن، اعتماد همواره در معرض خطر آن است که در جای نامناسب گذاشته شود. لذا میزان بالای جرایم یا جرایم شدید به طور پایا اطمینان عمومی به نظام کنترل اجتماعی را مورد سؤال قرار می‌دهد. اگر شهروندان احساس کنند از ناحیه جرایم تهدید شده‌اند، به ویژه بدان جهت که پلیس و نظام قضایی قادر به حمایت و حفاظت از آنها نیستند؛ یعنی قادر به جلوگیری از وقوع جرم و پاکسازی جرایم، دستگیری و تنبیه بخشی از قانون شکنان و یا حداقل ایجاد مکانیسم‌هایی برای جبران کردن صدمات و مقابله با پیامدهای ناشی از جرایم نیستند، اطمینان در نظام به مخاطره می‌افتد. بنابراین، با از دست دادن اطمینان شهروندان تلاش برای اصلاح موضوع از طریق اعتمادسازی شروع می‌شود. برای نیل به این امر، آنها اقدامات پلیسی اجتماع را به انواع مختلف تسریع ساخته‌اند، مانند طرح‌های گشت محله‌ها و همکاری با اجتماع در رویارویی با جرایم.

یکی از عوامل مهم برای احساس امنیت در عموم، آگاهی آنها از این مسأله است که پلیس به سرعت و به طور مناسب عکس‌العمل نشان خواهد داد. (کیفیت

به طبقه‌بندی تایلور است: روند عدالت، آیین دادرسی قضایی. روند عدالت شامل « کیفیت رفتار-رفتار همراه با احترام و شرافت- آگاه ساختن افراد از حقوقشان و داشتن و در نظر گرفتن نیاز افراد» است. یکی از سؤال‌های استوتلندز (۲۰۰۱)^۲ برای ارزیابی اعتماد به پلیس، شامل سنجش تلقی مردم از بی‌احترامی پلیس است. در پژوهشی که به وسیله هاودون (۲۰۰۳)^۳ انجام شد، برای توضیح تلقی افراد از آیین دادرسی قضایی که با سؤال در مورد اینکه آیا به پلیس اعتماد دارند یا خیر، ارزیابی شد، و احساس ناامنی به عنوان متغیر کنترل استفاده شد. احساس ناامنی به طور بارزی به اعتماد به پلیس مربوط نمی‌شود. اما رابطه‌ای معکوس بین ترس و اعتماد به پلیس در یک رابطه دوسویه دو متغیره وجود داشت (Renauer, 2007).

46)

شهروندانی که از خدمات پلیس راضی بوده، پلیس را در مقابله با جرم کارا می‌بینند، ترس کمتری اظهار می‌کنند و در مقابل، تخطی پلیس به ترس ساکنان منجر می‌شود. هادون طرز تلقی از کارایی پلیس را در کنترل جرم، از طرز تلقی آیین دادرسی قضایی پلیس از هم جدا می‌نماید. اشنایدر و همکارانش (۲۰۰۳)^۴ با استفاده از ارزیابی جهانی رضایتمندی شهروندان از خدمات پلیس، رابطه معکوس بارزی بین رضایتمندی از پلیس و احساس ناامنی پیدا کردند. (Renauer, 2007: 46).

با توجه به دیدگاه‌های ذکر شده در این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که نقش و اهمیت دولت در ایجاد احساس امنیت بسیار مهم ارزیابی می‌شود و از دولت و نهاد وابسته متولی این امر؛ یعنی پلیس (نیروی انتظامی) انتظار می‌رود که این نیاز اساسی

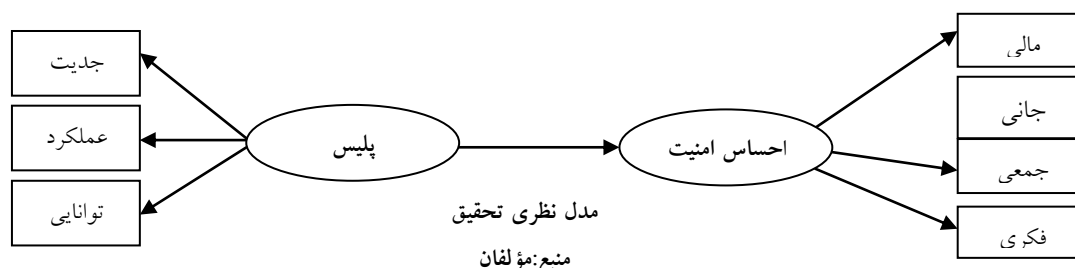
تلقی شهروندان از مشروعیت و ارتباط با آیین دادرسی قضایی می‌تواند بر عملکرد کنترل اجتماعی پلیس از طریق تأثیر بر اعتماد همکاری شهروندان، اثر بگذارد. تمایل شهروندان برای گزارش جرایم، همکاری برای تفحصات و کمک به حل مسائل مشترک، اگر بخشی از جمعیت محله نسبت به پلیس بی‌اعتماد شوند و رفتار پلیس را بی‌ثبات و متزلزل تلقی کنند، ممکن است از بین رود. عقاید منفی در باره رفتار پلیس ممکن است بر فرهنگ زورگویانه در محله‌های فقیر تأثیر متقابل داشته باشد که به احساس عدم احترام بیشتر شهروندان نسبت به پلیس منجر می‌گردد و در عوض، احتمال برخورد و پاسخ دهی نامناسب پلیس را افزایش می‌دهد. طرز تلقی از مشروعیت پلیس و عدالت، می‌تواند بر تمایل به اطاعت از قانون تأثیر گذارد. برای مثال کین (۲۰۰۵)^۱، دریافت که، با ارزیابی سوء عملکرد پلیس و تشدید جرایم بیش از حد خشن، می‌توان افزایش در میزان جرایم خشونت بار را در فقیرترین محله‌های شهر نیویورک پیش بینی کرد (Renauer, 2007: 46).

تلقی شهروندان از تخطی گری‌های پلیس از موازین قانونی خود می‌تواند نمایانگر بعد منفی کنترل اجتماعی عمومی باشد. اگر رفتار پلیس محله که ضمانت امنیت عموم بر عهده اوست، غیرقابل توجیه و بی‌ادبانه تلقی شود، به تبع آن اظهار چنین احساساتی، می‌تواند به ابراز بیشتر احساس ناامنی منجر گردد، زیرا آنها فاقد اعتماد به عملکرد کنترل اجتماعی پلیس هستند. برای ارزیابی بعد منفی کنترل اجتماعی عمومی از پاسخ دهندگان سؤال شد که چقدر از اینکه بدون هیچ علتی توسط پلیس متوقف شوند و مورد بی‌احترامی پلیس قرار گیرند، نگران هستند. ارزیابی «ترس از مواجه شدن با پلیس» شبیه

² Stoutland s, 001³ Hawdon 2003⁴ Scheider et al (2003)¹ Kane, 2005

فرضیه را مطرح کرد که: بین نقش پلیس (نیروی انتظامی) و احساس امنیت رابطه‌ای مستقیم وجود دارد.

شهروندان را با تلاش و جدیت به نحو احسن به انجام برسانند. پس با توجه به چارچوب تئوریک مطرح شده در این بخش از پژوهش، می‌توان این



شکل شماره ۱- مدل نظری پژوهش

۷- روش تحقیق و مراحل آن

(۱) چارچوب نظری پژوهش از طریق روش اسنادی^۱ تهیه شده و روش پاسخگویی به گویه‌ها و سؤال‌های پرسشنامه به روش پیمایشی^۲ صورت است. تحقیق ماهیت کاربردی و از نظر وسعت پهنانگر است.

- (۲) جامعه آماری کلیه ساکنان شهر اصفهان بوده که بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، ۱۷۸۸۵۶۷ نفر هستند.
- (۳) روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای بوده، از هر خوشه چند بلوک به طور تصادفی انتخاب شده‌اند که با توجه به حجم خانوار و ترکیب جنسی به طور متناسب در داخل آنها توزیع گردیده است.
- (۴) حجم نمونه و روش محاسبه آن: که بر اساس فرمول مقابل محاسبه گردید.

$$n = \frac{t^2 \cdot pq}{d^2} \Rightarrow n = \frac{1.96^2 \times .5 \times .5}{.05^2} = 384$$

$$1 + \frac{1}{N} \cdot \left(\frac{t^2 \cdot pq}{d^2} - 1 \right) \Rightarrow 1 + \frac{1}{1788567} \times \left(\frac{1.96^2 \times .5 \times .5}{.05^2} - 1 \right)$$

$t=1.96, p=0.05,$
 $q=0.50, d=0.05, N=1788567$

- (۵) ابزار گردآوری داده پرسشنامه بوده که پس از تعیین شاخص‌های لازم برای متغیرهای پژوهش، گویه‌هایی طراحی شد و در قالب پرسشنامه‌ای که اعتبار^۳ صوری و پایایی^۴ آن تأیید گردید، در اختیار پاسخگویان قرار گرفت.
- (۶) تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شد.

³ Validity
⁴ Reliability

¹ Documentary Method
² Survey Method

جدول شماره ۲- تعریف عملیاتی متغیرها به همراه ضریب آلفای کرونباخ مقیاس‌ها در پرسشنامه

متغیرها	ابعاد	پرسشنامه	
		تعداد	ضریب پایایی
مالی		۶	۰/۷۳۴
		خرید مسکن و ... از طریق آگهی روزنامه	
احساس امنیت	جاننی	۸	۰/۷۲۸
		فرستادن فرزند به مدرسه در مسیر طولانی، تردد با مسافرکش شخصی در شب، قدم، تردد در ساعات پایانی شب، ترس از مورد آزار و اذیت، تجاوز به عنف، دوستی زدن در مسیر خلوت با افراد غریبه، پذیرفتن خوراکی از فرد ناشناس	
جمعی		۵	۰/۷۰۵
		شرکت در مجالس عروسی که فیلم برداری می شود، شرکت در تجمعات شلوغ، رفتن به پارک ها در سطح شهر، امنیت خاطر از تردد جاده‌ها، رعایت بهداشت عمومی در سطح شهر	
فکری		۶	۰/۷۳۳
		نداشتن نگرانی فکری، داشتن آسودگی خاطر، اعتماد و اطمینان به آینده، داشتن آرامش روحی روانی در خانه، آرامش خاطر در محل کار و... داشتن آرامش روحی و فکری نسبت به مسائل روزمره	
جدیت		۳	۰/۸۰۲
		سرعت پلیس در نیاز مردم؛ فاطمیت در برخورد با مجرمان؛ دقت عمل در شکایات	
نقش پلیس	عملکرد	۳	۰/۶۲۵
		داشتن گشت در شب و روز؛ در دسترس بودن؛ برخورد احترام آمیز	
	توانایی	۳	۰/۷۱۸
		داشتن تجهیزات لازم؛ توانایی در مقابله با جرایم؛ داشتن نیروی متخصص و ماهر	

۸- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۸-۱- بخش توصیفی

سنی ۵۰-۵۴ ساله، ۱/۶ درصد گروه سنی ۵۵-۵۹ ساله و ۱/۳ درصد گروه سنی ۶۵ سال و بالاتر هستند. بر حسب محل سکونت از کل نمونه، ۳۱/۳ درصد افراد ساکن در منطقه مرفه شهر (منطقه ۵)، ۳۹/۳ درصد افراد ساکن در منطقه متوسط شهر (منطقه ۱) و ۲۹/۴ درصد افراد ساکن در منطقه فقیر شهر (منطقه ۷) را تشکیل می‌دهند (برای تعیین ملاک طبقه‌بندی مناطق، مناطق چهارده گانه بر حسب اطلاعات امور فرهنگی- اجتماعی شهرداری با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، خدمات شهری، امکانات رفاهی، در سه گروه مرفه نشین، متوسط نشین و فقیرنشین تقسیم‌بندی گردید).

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایگاه اجتماعی- اقتصادی که از کل نمونه پاسخگویان،

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت، از کل نمونه ۴۶/۹ درصد را مردان و ۵۳/۱ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. بر حسب وضعیت تأهل، ۴۷/۹ درصد افراد مجرد، ۴۸/۲ درصد افراد متأهل و ۳/۹ درصد افراد بی همسر (بر اثر طلاق یا فوت همسر) هستند. بر حسب گروه سنی که ۱۷/۲ درصد متعلق به گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله، ۲۳/۴۰ درصد گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۱۸/۸ درصد گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله، ۸/۹ درصد گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله، ۷/۳ درصد گروه سنی ۳۵-۳۹ ساله، ۷/۸ درصد گروه سنی ۴۰-۴۴ ساله، ۵/۷ درصد گروه سنی ۴۵-۴۹ ساله، ۴/۴ درصد گروه

مسکن، مالکیت اتومبیل و قیمت آن، میزان هزینه ماهیانه خانواده، منطقه محل سکونت و نوع شغل سرپرست خانوار استفاده شد).

۴۴/۸ درصد افراد متشکل از طبقه پایین، ۳۰/۲ درصد افراد طبقه متوسط و ۲۵/۰ درصد افراد طبقه بالا هستند (شایان ذکر است برای ساختن این متغیر (عملیاتی نمودن) از ترکیب چند گویه؛ یعنی نوع

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد احساس امنیت

احساس امنیت فکری	احساس امنیت جمعی	احساس امنیت جانی	احساس امنیت مالی	
۳/۳۵۸۹	۳/۲۹۳۸	۲/۴۱۹۶	۲/۶۹۹۲	میانگین
۰/۴۲۲۷	۰/۴۶۷۹	۰/۴۳۵۷	۰/۵۰۴۰	انحراف از میانگین
۳/۳۰۴۳	۳/۲۸۶۲	۲/۲۷۲۰	۲/۶۱۹۶	میانه
۳/۱۷	۲/۲۸۰	۲/۰۰	۱/۶۷	مد
۰/۸۴۹۹۲	۰/۹۱۶۸۹	۰/۸۵۳۸۸	۰/۹۸۷۶۹	انحراف معیار
۰/۷۲۲۳۶	۰/۸۴۰۶۹	۰/۷۲۹۱۲	۰/۹۷۵۵۱	واریانس

۳/۲۹ و احساس امنیت مالی با ۲/۶۹ بعد از احساس امنیت فکری در رتبه دوم و سوم قرار دارند. به عبارتی، شهروندان اصفهانی بیشترین احساس امنیت را به لحاظ فکری و کمترین بعد آن را به لحاظ جانی دارا هستند.

جدول شماره (۳) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد امنیت (مالی، جانی، جمعی و فکری) است. در این جدول همان گونه که مشاهده می کنید، بیشترین نمره میانگین ۳/۳۵ مربوط به بعد امنیت فکری و کمترین نمره میانگین ۲/۴۱ مربوط به بعد امنیت جانی است و احساس امنیت جمعی با

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد نقش پلیس

توانایی	عملکرد	جدیت	
۳/۳۴۳۳	۳/۳۰۹۹	۳/۲۱۸۸	میانگین
۰/۰۵۳۹۷	۰/۰۵۴۱۴	۰/۰۵۹۸۱	انحراف از میانگین
۳/۴۱۳۸	۳/۳۰۴۷	۳/۲۶۱۳	میانه
۴/۰۰	۳/۰۰	۴/۰۰	مد
۱/۰۵۴۰۴	۰/۰۶۰۸۳	۱/۱۷۱۹۹	انحراف معیار
۱/۱۱۱۰۰	۱/۱۲۵۳۶	۱/۳۷۳۵۵	واریانس

بعد جدیت ۳/۲۱ آن است؛ یعنی اینکه در بین شهروندان اصفهانی نقش پلیس از لحاظ توانایی بالاترین رتبه، سپس بعد عملکرد و در درجه پایین تر بعد جدیت پلیس است. (شایان ذکر است که از

جدول شماره (۴) توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد نقش پلیس (جدیت، عملکرد و توانایی) است. بیشترین نمره میانگین ۳/۳۴ بعد توانایی پلیس و کمترین نمره میانگین مربوط به

تفاوت نمره‌های میانگین نمی‌توان با اطمینان اذعان داشت که بین این ابعاد فاصله زیادی وجود دارد، بلکه تقریباً همه ابعاد در یک مرز نمره قرار دارند و اختلاف نمره‌ها بیشتر در حد چند صدم است).

۸-۲- بخش استنباطی

در این بخش به وجود رابطه بین نقش پلیس (نیروی انتظامی) با احساس امنیت و رابطه ابعاد پلیس (جدیت، عملکرد و توانایی) با ابعاد احساس امنیت (جانی، مالی، فکری و جمعی) پرداخته شده است.

جدول شماره ۵- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیر نقش پلیس و احساس امنیت

احساس امنیت	نقش پلیس	
۰/۱۴۶ (**)	۱/۰۰۰	ضریب همبستگی پیرسون (pearson correlation)
۰/۰۰۴	.	سطح معناداری sig.(2-tailed)
۳۸۴	۳۸۴	تعداد (N)

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

معنادار و مستقیم برقرار است؛ یعنی هر چه افراد نقش پلیس را در زندگی و محله خود پر رنگ تر احساس می‌کنند، از احساس امنیت بیشتری نیز برخوردارند و بالعکس. پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه تحقیق بر اساس پژوهش‌ها و نظریه‌های ذکر شده به اثبات می‌رسد.

برای آزمون وجود رابطه بین متغیر نقش پلیس (نیروی انتظامی) و احساس امنیت از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید (جدول شماره ۵)، با توجه به نتایج این آزمون (مقدار $r = 0.146$ و سطح معناداری $= 0.000$)، می‌توان اذعان داشت که بین نقش پلیس و احساس امنیت با اطمینان لازم رابطه‌ای

جدول شماره ۶- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد متغیر نقش پلیس و ابعاد احساس امنیت

متغیر	مالی	جانی	جمعی	فکری	
جدیت	۰/۰۹۲	-۰/۰۱۳	۰/۰۸۹	۰/۱۱۷(*)	ضریب همبستگی پیرسون
عملکرد	۰/۰۷۱	۰/۸۰۱	۰/۰۸۲	۰/۰۲۱	رابطه معناداری
	۰/۱۲۵(*)	۰/۰۴۳	۰/۱۲۷(*)	۰/۰۹۸	ضریب همبستگی پیرسون
توانایی	۰/۰۱۴	۰/۳۹۶	۰/۰۱۳	۰/۰۵۵	رابطه معناداری
	۰/۰۹۱	۰/۰۵۲	۰/۱۸۲(**)	۰/۱۳۲(**)	ضریب همبستگی پیرسون
	۰/۰۷۵	۰/۳۱۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	رابطه معناداری
	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	تعداد

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

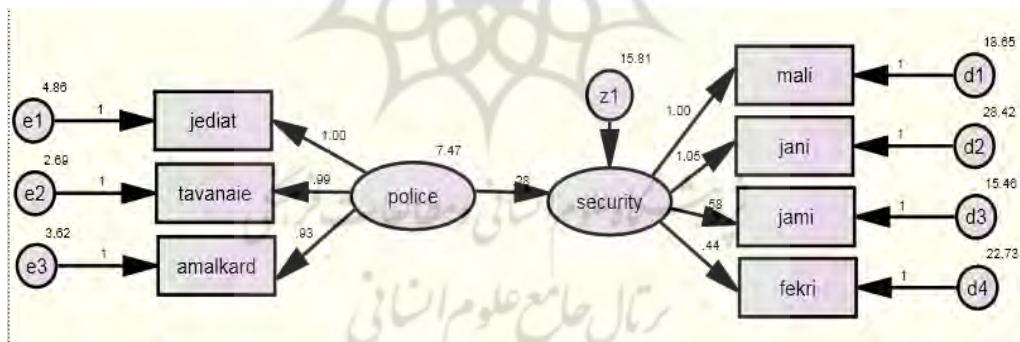
ابعاد احساس امنیت (مالی، جانی، جمعی و فکری) آنها را در یک جدول به طور کامل بیان کرده‌ایم.

در ادامه، برای روشن تر شدن رابطه همبستگی بین تمامی ابعاد نقش پلیس (جدیت، توانایی و عملکرد) و

و سطح معناداری=۰/۳۱۰) غیر معنادار و با بعد جمعی (مقدار=۲^(*))=۰/۱۸۲ و سطح معناداری=۰/۰۰۰) و با بعد فکری احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۱۳۲ و سطح معناداری=۰/۰۰۹) معنادار گردید.

با نتایج به دست آمده از ابعاد دو متغیر مذکور می توان گفت که بیشترین مقدار تأثیرگذار، بعد توانایی پلیس با بعد جمعی احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۱۸۲، و در ادامه بعد توانایی پلیس و بعد فکری احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۱۳۲، بعد عملکرد پلیس با بعد جمعی احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۱۲۷، بعد مالی احساس امنیت و عملکرد پلیس (مقدار=۲^(*))=۰/۱۲۵ و بعد جدیت پلیس با بعد فکری احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۱۱۷ تأثیرگذار بوده است.

الگوسازی معادلات ساختاری با کاربرد Amos graphics



شکل شماره ۲- مدل تجربی پژوهش

مورد حمایت قرار می گیرد (فقط در مورد ۰/۰۹۸) RMSEA= و TLI=۰/۸۹۳) نیاز به اصلاح مدل وجود دارد که با توجه به چارچوب نظری و حمایت دیگر شاخص ها، در مدل تغییری ایجاد نگردید).

همان گونه که در جدول شماره ۶ مشاهده می شود؛ - بعد جدیت پلیس با بعد مالی (مقدار=۲^(*))=۰/۰۹۲ و سطح معناداری=۰/۰۷۱)، بعد جانی (مقدار=۲^(*))=۰/۰۱۳- و سطح معناداری=۰/۸۰۱) و بعد جمعی احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۰۸۹ و سطح معناداری=۰/۰۸۲) غیر معنادار و با بعد فکری احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۱۱۷) و سطح معناداری=۰/۰۲۱) معنادار گردید.

- بعد عملکرد پلیس با بعد جانی (مقدار=۲^(*))=۰/۰۴۳ و سطح معناداری=۰/۳۹۶) و بعد فکری احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۰۹۸ و سطح معناداری=۰/۰۵۵) غیر معنادار و با بعد مالی (مقدار=۲^(*))=۰/۱۲۵ و سطح معناداری=۰/۰۱۴) و بعد جمعی احساس امنیت (مقدار=۲^(*))=۰/۱۲۷ و سطح معناداری=۰/۰۱۳) معنادار گردید.

- بعد توانایی پلیس با بعد مالی (مقدار=۲^(*))=۰/۰۹۱ و سطح معنی داری=۰/۰۷۵) و بعد جانی (مقدار=۲^(*))=۰/۰۵۳

در شکل (۲) مدل تجربی تحقیق در قالب مدل معادله ساختاری ارائه گردیده است. با توجه به ضرایب معیارهای نیکویی و برازش مدل باید گفت، مدل تحقیق از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار است. و داده های جمع آوری شده از چارچوب نظری پژوهش

جدول ۵- معیارهای برازش مدل و تفسیر برازش قابل قبول

میزان حد پذیرش	میزان حاصل	تفسیر	سطح قابل قبول	معیار برازش مدل
قابل قبول	۶۰/۹۳۱	کای اسکوتر به دست آمده با کای اسکوتر جدول برای یک درجه آزادی مشخص مقایسه می‌شود.	مقدار کای اسکوتر جدول	کای اسکوتر (CMIN)
قابل قبول	۰/۹۵۹	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	نیکویی برازش (GFI)
قابل قبول	۰/۹۱۲	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)
تأیید قابل قبول	۰/۰۹۸	مقدار کمتر از ۰/۰۵ یک برازش خوب را نشان می‌دهد.	کوچکتر از ۰/۰۵	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
تأیید قابل قبول	۰/۸۹۳	مقدار نزدیک به ۰/۹۵ منعکس کننده یک برازش مطلوب است.	(عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	توکر لوئیس (TLI)
قابل قبول	۴/۶۸۷	مقدار کمتر از ۱ نشان دهنده ضعف برازش و مقدار بیشتر از ۵ منعکس کننده نیاز به بهبود است.	۱ تا ۵	کای اسکوتر نسبی (CMIN/DF)
قابل قبول	۰/۵۶۹	بالتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰		شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)
قابل قبول	۰/۵۷۸	بالتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰		شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI)

۹- نتیجه گیری

این پژوهش نیز در مجموع کوششی بود که سعی گردید تا از بین دیدگاه صاحب‌نظران مربوط به حوزه امنیت و نقش پلیس (بحث اعتماد به پلیس در انجام وظایف و ایجاد احساس امنیت از دید گیدنز، والکلت، عملکرد و جدیت پلیس از دید نوروزی، لامبرپولو، توانایی پلیس از دید فرگسون و میندل، عملکرد از دید هانتز، بورسیک و گراسمیک، استوتلند، و رناآور، جدیت از دید استوتلندز هاودون و اشنایدر و همکارانش، که در مقاله حاضر به آن اشاره گردید، به شناخت بهتر رابطه پلیس در ایجاد احساس امنیت شهروندان پردازد، نتایج زیر از مهمترین یافته‌های این پژوهش است:

نقش و اهمیت دولت در ایجاد امنیت و احساس امنیت از ابتدا مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان بوده است و مردم از دولت و نهادهای مربوط به آن، این انتظار را دارند که این وظیفه مهم و خطیر را به نحو احسن در جامعه اجرا نمایند. البته، موفقیت این رویکرد تا اندازه زیادی به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی و بسط و گسترش حوزه عمومی و جامعه مدنی از یک سو و اراده مسؤولان ذی‌ربط در پذیرش نوآوری‌ها و انجام برخی اقدامات و تغییرات سازمانی برای همسو شدن با تغییرات فزاینده در عرصه‌های مختلف جامعه از سویی دیگر بستگی دارد.

بعد جدیت و توانایی پلیس معنادار شد و با بعد عملکرد آن معنادار نشد.

۱۰- پیشنهادها و راهکارها

پلیس و نیروی انتظامی مهمترین نهاد نظارت اجتماعی هستند. این نیرو در کشورهای دموکراتیک انحصار مشروع به کارگیری زور و اجبار و خشونت علیه بی‌نظمی را در اختیار دارد (Renauer, 2007)؛ با این حال، نیروی انتظامی اساساً برای موفقیت در انجام وظایف خود به همکاری و حمایت شهروندان متکی است. بدون حمایت عموم مردم، پلیس توانایی حل و فصل جرایم، کاهش مشکلات و حفظ نظم و همکاری در راستای جلوگیری از جرم را ندارد. اعتماد و اطمینان مردم به پلیس سنگ بنا و محور هر نوع همکاری عمومی برای مشروعیت پلیس در جوامع دموکراتیک است (Ross & Jang, 2000).

نتایج تحقیق حاضر نیز مبین این واقعیت است که نقش نیروی انتظامی در احساس امنیت بسیار تأثیرگذار است. بر همین اساس، با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش پیشنهادهایی ارائه شده است:

۱- پلیس می‌تواند یک آکادمی پلیس شهروندی یا تشویق فعالانه شهروندان برای همراهی با افسران پلیس فراهم آورد. همراهی مردم با پلیس در فعالیت‌های آن باید به طور خاص در نظر گرفته شود، زیرا هزینه‌ای در بر نداشته، ارتباط غیر خصمانه و نامخرب بین پلیس و شهروندان را ارتقا می‌بخشد.

به علاوه، همراهی مردم با پلیس اطلاعات دقیقتری از اصل فعالیت‌های پلیسی و درک بهتر از حرفه پلیس محلی فراهم و کمک می‌کند انتظارات غیرواقع بینانه از پلیس کاهش یابد و دیگر اینکه، بدان جهت که شهروندان نگرانی‌هایی در مورد مواد مخدر و امنیت

- در توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب چهار بعد احساس امنیت (مالی، جانی، جمعی و فکری)، بیشترین نمره میانگین مربوط به بعد امنیت فکری و کمترین نمره میانگین مربوط به بعد امنیت جانی است و احساس امنیت جمعی و مالی پس از احساس امنیت فکری در رتبه دوم و سوم قرار دارند. به عبارتی، شهروندان اصفهانی بیشترین احساس امنیت را به لحاظ فکری دارا هستند و کمترین بعد احساس امنیت را از لحاظ جانی دارا هستند.

- در توزیع فراوانی نمره میانگین پاسخگویان بر حسب ابعاد نقش پلیس (جدیت، عملکرد و توانایی) بیشترین نمره میانگین به بعد توانایی پلیس و کمترین نمره میانگین مربوط به بعد جدیت است؛ یعنی در بین شهروندان اصفهانی نقش پلیس از لحاظ توانایی بالاترین رتبه، سپس بعد عملکرد و در درجه پایین تر بعد جدیت پلیس است. (شایان ذکر است که از تفاوت نمره‌های میانگین نمی‌توان با اطمینان اذعان داشت که بین این ابعاد فاصله زیادی وجود دارد، بلکه تقریباً همه ابعاد در یک مرز نمره قرار دارند و اختلاف نمره‌های بیشتر در حد چند صدم است).

رابطه بین متغیر نقش پلیس (نیروی انتظامی) و احساس امنیت با اطمینان لازم رابطه معنادار و مستقیم برقرار گردید. و در ادامه نیز در رابطه همبستگی بین تمامی ابعاد نقش پلیس (جدیت، توانایی و عملکرد) و ابعاد احساس امنیت (مالی، جانی، جمعی و فکری)؛ بعد مالی احساس امنیت با بعد عملکرد پلیس معنادار شد و با بعد جدیت و توانایی آن معنادار نگردید. بعد جانی احساس امنیت با بعد جدیت، عملکرد و توانایی پلیس معنادار نشد. بعد جمعی احساس امنیت با بعد جدیت پلیس معنادار نشد، ولی با بعد عملکرد و توانایی آن معنادار گردید. بعد فکری احساس امنیت با

فرزندانشان بیان نموده‌اند، پلیس برنامه‌هایی برای افزایش ارتباط مؤثر و سازنده پلیس با جوانان طرح‌ریزی می‌کند. محول کردن وظیفه کار با مدارس، گروه‌های جوان وابسته به مساجد و... و فعالیت‌های ورزش محلی (مانند لیگ کوچک) به افسران می‌تواند اعتماد به پلیس را افزایش دهد. جوانان عمدتاً اترپذیر بوده، گسترش رابطه سازنده با آنها در آینده می‌تواند رابطه سازنده و مثبت پلیس - شهروندی را ارتقا دهد. علاوه بر این، سمینارهایی که با حمایت پلیس در مورد خطر الکل و مواد مخدر برگزار می‌شود، باید حسی را در والدین ایجاد کند که فرزندانشان از چنین مسائلی آگاه هستند و حمایت از پلیس را افزایش دهد (Benedict & others, 2000). حاصل کار آنکه: دیدگاهی که مردم نسبت به سازمان‌های پلیسی دارند، بسیار مهم و حیاتی است، زیرا این امر تأثیرگذاری سازمان را تعیین کرده، به پیدایی توانایی کارکرد صحیح و مناسب در محیط آن منجر می‌شود. علاوه بر آن تکیه بر تاکتیک‌های سنتی پلیس می‌تواند، موجب تعیین آنچه که شهروندان از آن نگران هستند، شود. و بدین صورت با کسب اعتماد اعضای جامعه، موجب اجرای مؤثر قانون در جامعه گردد. (Benedict & others, 2000:284).

۲- همکاری و تعامل پلیس با شهروندان موجب حضور بیشتر پلیس در بین مردم می‌شود و از این طریق نوعی احساس امنیت و فراغ خاطر در میان شهروندان به وجود می‌آید.

۳- از آنجایی که پلیس به طور بسیار فعال با مردم همکاری و تشریک مساعی می‌کند، موجب افزایش رضایتمندی شهروندان می‌شود و هرچه رضایتمندی شهروندان از پلیس بیشتر باشد، ترس شهروندان از وقوع جرم کاهش می‌یابد (Roh & Oliver, 2005).

تحقیقات طولی نشان می‌دهد که پلیس اجتماع، دید و نگرش شهروندان نسبت به پلیس را بهبود بخشیده است. اگر رفتار پلیس به عنوان ضامن امنیت و آرامش مردم، ناعادلانه و ناشایست ارزیابی شود، امکان دارد به اتخاذ برداشتهایی منجر شود که متضمن احساس ناامنی است؛ زیرا شهروندان دیگر ایمان و اعتقادی به عملکرد کنترل اجتماعی نیروی انتظامی ندارند (Renauer, 2000). باکس نیز دریافت احساس ناامنی بین رضایت از پلیس و آنهایی که به اثربخشی پلیس برای مقابله با جرایم اطمینان دارند، کمتر از جرم می‌ترسند (1982 Liska & Sanchirico). هنگامی که پلیس با شهروندان از طریق گروه‌های محلی همسایگی، فعالیت‌های نوجوانان، مدارس و غیره تعامل می‌کند، این همکاری و مشارکت، پیوندهای واقعی شهروندان بین پلیس و شهروندان را تقویت و تحکیم کرده؛ بنابراین احساس ناامنی را کاهش می‌دهد (Roh & Oliver, 2005). همکاری و تعامل روزافزون پلیس با شهروندان به طور مستقیم از طریق افزایش احساس اثربخشی و کارایی شهروندان، تحکیم روابط بین همسایگان و دخالت دادن آنها در امور همسایگی و شهر، احساس ترس و ناامنی آنها را کاهش می‌دهد. مشارکت شهروندان در گروه‌های پایش محل، آموزش نوجوانان و برنامه‌های پاک سازی، احساس همبستگی اجتماعی شهروندان را افزایش داده، به کاهش ترس و افزایش احساس امنیت آنها کمک می‌کند.

منابع

۱- احمدی، حبیب و گلمراد مرادی و زهره آذرگون. (۱۳۸۶). «بررسی رابطه بین مشارکت مردمی و احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه شهر اسلام آباد

شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب شناسی و کثر رفتاری اجتماعی، تهران: انتشارات آگه.

۱۲- نوروزی، نادر. (۱۳۸۴). «سیاست جنائی در جرایم خرد و تأثیر آن بر احساس امنیت شهروندان» با تکیه بر نظریه پنجره‌های شکسته»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

۱۳- واثقی، قاسم. (۱۳۸۰). *تدابیر و سیره عملی امام علی(ع) در تأمین امنیت اجتماعی*، مرکز تحقیقات ناجا.

14- Benedict, Wm .W.M., Brown, R.B., & Bower, D.J., (2000). Perceptions of the Police and fear of Crime in a Rural Setting: Utility of a Geographically Focused Survey for Police Services, Planning and Assessment, *Criminal Justice Policy Review*, Volume 11, Number4 ,December.2000,275-298.

15- Ferguson, K. M. & C. H. Mindel.(2007). Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory, *Crime & Delinquency*, Volume 53, Number 2, Aapril 2007, 322-349.

16- Gert, Van Beek.(nod). *feeling (un)safe and (in) secure in the risk society*. Available from:[http:// stuives/ac084_en.pdf](http://stuives/ac084_en.pdf).

17- Jones, R. W. (1999). *Security, Strategy And Critical Theory*, London: Lynne Rienner Publications.

18- Lambropoulo, E. (2007). Citizen s Safety, Business Trust and Greek Police, *International Review of Administrative Science*, Sage Publications, Vol 70 (1):89-110.

19-Liska, A. L., Lawrence, J. J., & Sanchirico, A. (1982). Fear of crime as a social fact. *Social Forces*, Vol. 60, No. 3pp. 760-770

«غرب»؛ فصلنامه توسعه انسانی، دوره اول، ش ۴، تابستان ۱۳۸۶.

۲- بیات، بهرام. (۱۳۸۷). «تیین جامعه شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی»، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان: دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

۳- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳). *چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش ایرانیان*، تهران: انتشارات طرح‌های ملی.

۴- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نشرنی، چاپ اول.

۵- چلبی، مسعود. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی، چاپ چهارم.

۶- ربانی، رسول. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، چاپ دوم.

۷- ربانی، رسول و جواد افشارکهن. (۱۳۸۳). «شهرنشینی و امنیت؛ تحقیق در عوامل و شرایط مؤثر بر امنیت شهرها، مورد؛ شهر جدید بهارستان»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، ج ۱۶، ش ۱.

۸- قاسمی، وحید. (۱۳۸۸). «مدل سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics»، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

۹- قالیباف، محمد باقر. (۱۳۸۴). «تحلیل سیستمی امنیت اجتماعی و راهبردهای مدیریت آن»، *مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش امنیت اجتماعی*، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، شماره ۱، انتشارات گلیپونه.

۱۰- ماندل، رابرت. (۱۳۷۹). *چهره متغیر امنیت ملی*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۱- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم، مبانی روان شناسی اجتماعی و جامعه شناسی و روان*

20- Renauer, B.C. (2007). Reducing Fear of Crime: Citizen, Police, or Government Responsibility?, *The Journal of Police Quarterly*, Volume 10; Number 1, March 2007 41-62, © 2007; Sage Publications, <http://pqx.sagepub.com>.

21- Roh, S. H., & Oliver, W. M. (2005). Effects of community policing upon fear of crime: Understanding the causal linkage. *Policing*. Vol. 28, Issue. 4; pg. 670.

22- Ross, C. E., & Jang, S. J. (2000). Neighborhood disorder, fear, and mistrust: The buffering role of social ties with neighbors. *American Journal of Community Psychology*, 28(4), 401-420

23- Scheider, M. C., Rowell, T. & Bezdikian, V. (2006). The impact of citizen perceptions of community policing on fear of crime: Findings from twelve cities. *Police Quarterly*, 6; 363

